

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

ما در این بحث تتبع مستقل نداریم اینقدر گفته ها متفرق است که نمی شود تتبع خوبی صورت داد. اولین نقدی که به کلام آخوند شده است.

مرحوم آخوند فرمود: اگر خطابی حاوی تکلیفی باشد اما مخاطب شخص دیگری باشد ظهور نسبت به همه حجت است (در رد بر میرزای قمی این مطلب را فرمود) یعنی در حجیت، بین مقصودین بالافهام و غیرمقصودین فرقی نیست. در کفایه یک ترقی هم وجود دارد مرحوم آخوند می فرماید: اگر کسی مقصود بالافهام نباشد اما بفهمد تکلیف متوجه اوست باز هم کلام نسبت به او حجت است.

برخی اشکال گرفته اند که جناب آخوند، شما چرا قید می کنید که حاوی تکلیفی باشد که آینده را می گیرد اگر حاوی تکلیفی که آینده را می گیرد هم نباشد باز حجت است. فرض کنید در مورد زن حائض سوالی را زراره مطرح می کند و امام هم پاسخ می دهد یک راوی مرد هم این را می شنود کلام امام برای این راوی حجت است. (اگر چه این مرد نه مقصود بالافهام است و نه مکلف به این تکلیف)

استاد: به نظر من این سخن بر آقای آخوند وارد نیست گرچه این کلام بنیان کلام آخوند را به هم نمی ریزد و اصلا وارد هم نیست؛ ببینید دوستان آقای آخوند حجیت را به این معنا گرفت که اگر مطابق واقع باشد منجز است و در صورت عدم مطابقت عذر است. حال اینکه زراره از امام سوال می کند و شخص دیگری می شنود چطور می توانید بگویید برای این آقا منجز و عذر است اصلا در مورد او مطابقت و عدم مطابقت معنا ندارد.

ممکن است بگویید ما این شخص را مجتهد حساب می کنیم و منظورمان از اینکه منجز است یعنی می تواند طبق آن فتوا دهد در این صورت پاسخ می دهیم این هم شد تکلیف غیر مستقیم؛ یعنی این مجتهد در فتوا دادن باید به این حدیث توجه کند. به نظر می رسد این اشکال را نمی شود به عنوان اشکال مطرح کرد.

اشکال دیگر: آقای آخوند چهارتا لا فرق گفت؛ مرحوم ایروانی سخنی دارد که بنیان بحث را تغییر می دهد.

بیان کلام ایروانی: اینکه شما گفتید عقلا مطلقا به ظهور عمل این درست نیست.

عقلا در مقام مجادله و مخاصمه به ظهور عمل می کنند و ما مثال های را در این مورد بیان کردیم اما آیا عقلا در جایی که می خواهند فرار از مفسده بکنند یا یک مصلحت را جعل بکنند به همین ظهور اعتماد می کنند و لو گمان پیدا نکنند.

استاد علیدوست: من دو مثال می زنم چرا که مرحوم ایروانی مثال ذکر نمی کند؛ مثال اول: یک بازاری به یک شخصی می گوید اگر تو پولت را در این راه قرار دهی سود خوبی می دهد یا مثلا خبر بیاورند که در کاشان فلان جنس را خوب می خرند ببر جنس را در کاشان بفروش اگر شخص در این صورت گمان پیدا نکند یا ظن به خلاف پیدا کند اقدام طبق خبر این شخص نمی کند.

مثال دوم: پزشک به شما می گوید فلان دارو را بخور و... اگر مریض به قرار نرسد آیا اقدام می کند؟! در این صورت اقدام نمی کند و در صورت گمان به خلاف به طریق اولی اقدام نمی کنند.

استاد: اگر این اندیشه ثابت شود در بنیان اجتهاد تاثیر فراوانی می گذارد. کلام ایروانی یک کمبود آشکار دارد و آن اینکه مورد ما (فهم شریعت) از کدام قبیل است. آیا از قبیل اول است مثل مخاصمه یا از قبیل دوم است که عقلا دنبال اطمینان می گردند.

مرحوم آقای خویی می گوید: مورد ما از قبیل اول است مانند مخاصمه است؛ ما دنبال حجت هستیم و ظاهر حجت است اعم

از اینکه شما اطمینان بکنید یا نه. استاد: چون مرحوم آخوند بسیاری از مطالب را به عقلا نسبت داد ابروانی با فرق گذاشتن بین بین مخاصمه و دفع مفسده به مرحوم آخوند اشکال کرد.

آیا ماهیت اجتهاد تحصیل حجت است؟ یعنی تمام فکر مجتهد و مقلد به روی حجت باشد و به دنبال قرار نباشد یا اهتمام اولی مجتهد رسیدن به واقع و کشف مراد است.

فرق این دو این است که بنا بر تحصیل حجت، اصول عملیه چاق می شود چرا که اصول عملیه برای رفع تحیر است و حجت به وسیله آن تحصیل می شود. اما اگر قرار و اطمینان ملاک باشد انسان به راحتی سراغ اصول عملیه نمی رود. استاد: اشکال ابروانی علی الحساب در حد ناقص می پذیریم اما معتقدیم که ایشان اشکال خود را ناقص مطرح می کند. اشکال دیگر: مرحوم آقای روحانی در منتقی الاصول مطلبی دارد، البته احساس می کنم اصل این حرف از مرحوم حائری بوده چون در (کتاب درر الفوائد) هم وجود دارد.

جناب آقای آخوند فرمود: وقتی عقلا سخنی را القاء می کنند سخن ظهوری دارد و ظن شخصی هم نمی خواهد و... .

صاحب منتقی می فرماید: وقتی سخنی القاء می شود بعضی وقت ها اصلاً طرف هیچ قصد فهماندن ندارد مثل کسی که دارد تمرین صدا می کند و بعضی وقت ها به قصد تفهیم است ولو به قصد رساندن مراد نیست مثل باب شوخی: کسی که با دیگری شوخی می کند می خواهد چیزی را به دیگری بفهماند اما قصد جدی ندارد.

مثال در شریعت: عموماً کسی که شارع بیان می کند و قرار است مخصص هایش بعداً بیاید شارع قصد فهماندن دارد اما مرادش جدی نیست، در اینجا دو اصطلاح خودش را نشان می دهد مراد استعمالی و مراد جدی.

مرحوم روحانی: ما در شریعت بحث تمرین صدا نداریم اما قسم دیگر مورد بحث است؛ اگر کلامی از متکلم صادر شود و مراد فهماندن هم باشد و کلمات ظهور داشته باشد در اینجا مرحوم آخوند می فرمود باید این ظهور اخذ شود مرحوم روحانی می فرماید این اخذ یقینی است و لذا حجت ظهور از باب یقین است نه از باب گمان و ظن.

لذا مستشکل گوید اگر شما دلالت کلام را بر ظهور استعمالی و جدی بررسی می کنید این دلالت قطعی است نه ظنی.

الحمد لله رب العالمین